

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۱۰/۲۷

نویسنده: محمد حسن سوادین
مترجم: سید حسام مل

آیا دارایی های نظامی آمریکا در غرب آسیا هدف بعدی ایران قرار خواهد گرفت؟

با دخالت فزاینده ایالات متحده در تشدید جنگ در غرب آسیا و گسترش قابلیت های موشکی و سایبری ایران، آیا ارتش، اقتصاد و امنیت واشنگتن می تواند در خطر باشد؟



(Photo Credit: The Cradle)

ماه گذشته، فرانک مک کنزی، جنرال متقاعد قوای بحری ایالات متحده آمریکا، در گزارشی که توسط موسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا (JINSA) منتشر شد، تاکید کرد: ماهیت تهدید در خاورمیانه از زمان استقرار پایگاه های آمریکایی به طور قابل توجهی تغییر کرده است.، چندین دهه پیش تهدید اصلی - اکنون بیش از هر زمان دیگری - ایران است. واشنگتن درک می کند که در صورت تشدید تنش ها به دلیل سیاست های تهاجمی بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، متحدان منطقه ای اش ممکن است بی طرف نما نند. بنابراین، نظارت بر این که کدام دارایی های آمریکا ممکن است در هر رویارویی احتمالی به هدف تهران تبدیل شود، بسیار مهم است. نفوذ واشنگتن در غرب آسیا شبکه ای از منافع نظامی، اقتصادی، سیاسی و رسانه ای را در بر می گیرد که همگی به طور بالقوه در معرض خطر هستند.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

تغییر زمان، تهدیدات در حال تحول

نقش پایگاه های نظامی ایالات متحده در طول زمان به طور قابل توجهی تکامل یافته است. این پایگاه ها که در ابتدا برای مقابله با نفوذ شوروی طراحی شده بودند، پس از سقوط شاه ایران و انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ اهمیتی دوباره یافتند. این پایگاه ها برای استراتژی دفاعی ایالات متحده، به ویژه در جلوگیری از دستیابی شوروی به جای پای در خلیج فارس، محور باقی ماندند. توزیع جغرافیایی پایگاه های ایالات متحده در منطقه به طور خاص برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی و تمرکز بر مکان های استراتژیک طراحی شده بود. با این حال، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و متعاقب آن حمله ایالات متحده به عراق، اولویت های استراتژیک آمریکا در غرب آسیا به طور چشمگیری تغییر کرد.

همانطور که مک کنزی خاطر نشان می کند: «پایگاه های ما در منطقه، خاورمیانه تا حد زیادی جایی است که به عنوان میراث درگیری های گذشته... با این حال، همه چیز تغییر کرده است و اولویت هایی که از استقرار این پایگاه ها خبر می دادند.»

تمرکز حضور نظامی آمریکا از بازدارندگی اتحاد جماهیر شوروی برای مقابله با نفوذ فزاینده ایران و متحدان منطقه ای آن در محور مقاومت فاصله گرفت. بر اساس اسناد مختلف رسمی آمریکا، هدف اصلی وجود این پایگاه ها در دوران پس از شوروی، بازدارندگی جمهوری اسلامی بوده است. این تغییر به وضوح در استراتژی امنیت ملی دولت بایدن که در سال (۲۰۲۲) منتشر شد، منعکس شده است، که می گوید: «در خاورمیانه، ما برای تقویت بازدارندگی در قبال ایران، کاهش درگیری های منطقه ای، تعمیق یکپارچگی میان مجموعه های متنوعی از شرکا در ایران کار کرده ایم. و آنهم در منطقه بخاطر تقویت وثبات و انرژی. این یک تغییر قابل توجه در استراتژی ایالات متحده است و نشان می دهد که تهران به دغدغه اصلی برنامه ریزان نظامی ایالات متحده تبدیل شده است. هدف قرار دادن پایگاه های آمریکا در منطقه به نزدیکی ایران. پایگاه های ایالات متحده در سراسر منطقه را به اهداف آسیب پذیر در هر درگیری آینده تبدیل می کند. این پایگاه ها دیگر در برابر تهدیداتی که از دوردست ها مانند اتحاد جماهیر شوروی سرچشمه می گیرد محافظت نمی شوند، بلکه به طور بالقوه در معرض قابلیت های راکتی و پهپادی تهران در حال گسترش هستند. به عنوان مثال، توانایی ایران برای ضربه زدن به منافع ایالات متحده در منطقه؛ در کنار آن توسعه تسلیحات پیشرفته این کشور افزایش یافته است و این شامل هدف قرار دادن تاسیسات نظامی کلیدی ایالات متحده نیز می شود. گزارش JINSA چندین سایت احتمالی را شناسایی می کند. پایگاه هوایی عین الاسد در استان الانبار عراق که قبلاً هدف قرار گرفته بود نمونه بارز آن است. این پایگاه پشتیبانی لجستیکی گسترده، امکانات آموزشی و میزبانی تا ۵۰۰۰ سرباز آمریکایی را فراهم می کند. این پایگاه پس از آن که ایران مستقیماً آن را در تلافی ترور سردار قاسم سلیمانی توسط آمریکا در سال ۲۰۲۰ هدف قرار داد، مورد توجه ویژه قرار گرفت. هدف قرار دادن این پایگاه توسط ایران، تهدید بسیار واقعی تهران برای دارایی های آمریکا در منطقه را برجسته می کند. فعالیت های پشتیبانی دریایی در بحرین، محل استقرار ناوگان پنجم ایالات متحده، یکی دیگر از دارایی های حیاتی است که احتمالاً در صورت تشدید تنش ها در ایران، هدف قرار خواهد گرفت. ناوگان پنجم در منطقه وسیعی شامل دریای سرخ، خلیج عربی و اقیانوس هند عمل می کند و خطوط کشتیرانی کلیدی مانند کانال سوئز و تنگه هرمز را پوشش می دهد.

این حضور دریایی سنگ بنای نفوذ ایالات متحده در غرب آسیا است و نقشی اساسی در حفاظت از مسیرهای تجارت جهانی و منابع انرژی و مقابله با تهدیداتی مانند تروریسم و دزدی دریایی ایفا می کند. در شرایط عادی ناوگان پنجم متشکل از بیش از ۲۰ کشتی جنگی شامل زیردریایی ها و ناوشکن های مونتاژ شده در اطراف یک ناو هواپیمابر و در یک گروه آبی خاکی آماده متشکل از کشتی ها، هواپیماهای باری، هلیکوپترهای رزمی و یگان های مختلف پشتیبانی است. این ناوگان حدود ۱۵۰۰۰ پرسنل در کشتی ها و ۱۰۰۰ نفر در خشکی دارد.

علاوه بر اینها، پایگاه هوایی شاهزاده سلطان در عربستان سعودی در جنوب شرقی ریاض نیز از زمان جنگ اول خلیج فارس مرکز مهمی برای عملیات نظامی آمریکا بوده است. اگرچه نیروهای آمریکایی برای مدت کوتاهی این پایگاه را در سال ۲۰۰۳ ترک کردند، اما در سال ۲۰۱۹ بازگشتند و بر اهمیت استراتژیک آن در مواجهه با تنش های فزاینده با ایران تاکید کردند.

پایگاه هوایی العدید در قطر، بزرگترین پایگاه ایالات متحده در غرب آسیا، به عنوان یک پایگاه اصلی عملیات پیشروی و مرکز عملیات هوایی مشترک، میزبان حدود ۱۰۰۰۰ سرباز آمریکایی است. به طور مشابه، پایگاه هوایی الظفره در امارات دارای حضور نظامی قابل توجه ایالات متحده است که بیش از ۳۸۰۰ سرباز و بیش از ۶۰ هواپیما از جمله هواپیماهای شناسایی لاکهید U-2 و جت های جنگنده پیشرفته مانند F-22 را در خود جای داده است. از سال ۲۰۰۳، العدید پایگاه اصلی فرماندهی مرکزی ایالات متحده (CENTCOM) بوده است. همچنین نقش مهمی در عملیات نظارتی و اطلاعاتی در سراسر عراق، سوریه و افغانستان دارد.

Iran's Ballistic & Cruise Missiles				Iran's Drones			
Name	In service	Range (km)	Warhead (kg)	Name	In service	Range (km)	Warhead (kg)
Shahab-1	1985-2016	300	1,000 kg	Ababil-T	1999	150	30 kg
Shahab-2	1990-2016	500	700 kg	Ababil-III	2010	100	-
Fateh-110B	2002	300	500 kg	Shahed-129	2012	1,700	150 kg
Shahab-3	2003	2,000	1,200 kg	Yasir	2013	200	-
Ghadr	2007	2,000	750 kg	Raad-85	2013	100	-
Sejjil	2008	2,000	700	Karrar-1	2014	1,000	500 kg
Qiam-1	2010	800	750	Mohajer-6	2017	200	40 kg
Soumar (cruise missile)	2012	2,500	750	Oghab	2017	2,000	-
Ya-Ali	2015	700	350	Mobin	2018	450	120 kg
Emad	2015	1,800	750	Fotros	2020	2,000	-
Fateh-313	2015	500	380	Arash-2	2020	2000	150kg
Khorramshahr	2017	2,000	1,800	Kaman-12	2020	1,000	100 kg
Zolfaghar	2017	700	600	Meraj	2020	1000	5 kg
Hoveyzeh (cruise missile)	2019	1,350	-	Shahed-123	2020	750	-
Dezful	2019	1,000	600	Kaman-22	2021	3,000	300 kg
Raad-500	2020	500	-	Shahed-131	2022	900	15 kg
Haj Qasem	2020	1,400	500	Shahed-136	2022	2,200	40-90 kg
Kheibar Shekan	2022	1,450	500	Shahed-171	2023	1,500	-
Fattah-1	2022	1,400	450	Shahed-191	2023	450	50 kg
Paveh (cruise missile)	2023	1,650	-				
Kheibar	2023	2000	1500				

راکت ها و پهپادهای ایرانی

اگر ایران تصمیم به تشدید تنش بگیرد، زرادخانه راکتی و پهپادی گسترده و پیشرفته ای دارد که می تواند برای هدف قرار دادن پایگاهها و منافع آمریکا مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال، راکت سجیل یک راکت بالستیک سوخت جامد میان برد است که قادر به حمل محموله ۷۰۰ کیلوگرمی تا ۲۰۰۰ کیلومتر است و این پایگاه ها را به خوبی در دسترس قرار می دهد. به همین ترتیب، راکت خیبر، یک راکت بالستیک نسل چهارم، قادر است اهدافی را تا فاصله ۲۰۰۰ کیلومتری با ظرفیت حمل بار بیشتر مورد اصابت قرار دهد.

از دیگر راکت های قابل توجه در زرادخانه ایران می توان به راکت شهاب-3، یک راکت میان برد با سوخت مایع تا ۲۰۰۰ کیلومتر اشاره کرد. بر اساس راکت نودونگ-1 کره شمالی، در درجه اول بر روی اهداف بزرگ (مانند میدان های هوایی نظامی) موثر است، اما ایران در پیشرفت های بعدی از فناوری هدایت چینی برای بهبود قابل توجه دقت حمله استفاده کرده است.

سپس راکت عماد، اولین راکت بالستیک هدایت شونده دقیق ایران با برد ۱۸۰۰ کیلومتر است. این تسلیحات همراه با سامانه های جدیدتری مانند حاج قاسم و سری قدر، از جمله راکت های QD-110، تهدید قابل توجهی برای تأسیسات نظامی آمریکا در سراسر غرب آسیا به شمار می رود. راکت حاج قاسم نسل جدید راکت فاتح 110 است و قابلیت نفوذ به سامانه های دفاع راکتی را دارد. این هواپیما برای ما نور دادن و اصابت به اهداف بدون شناسایی، با جرم هفت تن، طول ۱۱ متر و حداکثر سرعت ۱۲ ماخ طراحی شده است.

گزینه های غیر نظامی

توانایی های ایران فراتر از حملات راکتی است، زیرا می تواند مسیرهای کشتیرانی حیاتی مانند تنگه هرمز را مختل کند. حدود ۳۰ درصد نفت جهان از این آبراه باریک عبور می کند و آن را به یک منطقه بسیار استراتژیک تبدیل می کند.

اگر ایران این تنگه را ببندد یا تهدید کند، تأثیر آن بر بازارهای جهانی انرژی بسیار زیاد خواهد بود و جریان نفت را مختل می کند و بر اقتصادهای فراتر از غرب آسیا تأثیر می گذارد. چنین اقدامی نه تنها به اقتصاد جهانی آسیب می رساند، بلکه منافع ایالات متحده را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می دهد، زیرا بسیاری از شرکت های آمریکایی عمیقاً در منطقه درگیر هستند.

در سال ۲۰۲۳، شرکت های آمریکایی ۳۶۲ پروژه را در غرب آسیا به ارزش ۳۶ میلیارد دلار اعلام کردند که نسبت به سال های گذشته افزایش قابل توجهی داشته است. این پروژه ها که به شدت در کشورهای خلیج فارس بخصوص در عربستان سعودی، امارات و قطر متمرکز شده اند، بخش قابل توجهی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی آمریکا در منطقه را نشان می دهند. هرگونه اختلال در این سرمایه گذاری ها، خاصاً در صورت درگیری با ایران، می تواند منجر به زیان اقتصادی قابل توجهی برای ایالات متحده شود.

فراتر از منافع نظامی و اقتصادی، سفارتخانه ها و نمایندگی های دیپلماتیک ایالات متحده در کشورهایی مانند

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

عراق، لبنان و بحرین در برابر حملات متحدان ایران آسیب پذیر هستند. نفوذ تهران در این کشورها، همراه با ظرفیت آن برای بسیج جناح های مقاومت متحد، می تواند به تلاش های دیپلماتیک واشنگتن آسیب جدی وارد کند. این سفارتخانه ها یا «لانه های سیا» به عنوان مراکز حیاتی برای نفوذ سیاسی ایالات متحده عمل می کنند و در صورت درگیری گسترده تر با ایران، آنها را به اهدافی با ارزش تبدیل می کنند.

در حوزه دیجیتال، قابلیت های رو به رشد سایبری ایران تهدید جدی دیگری برای ایالات متحده و متحدانش است. تهران در گذشته به حملات سایبری به بانک ها و زیرساخت های حیاتی ایالات متحده متهم شده است و این قابلیت ها با گذشت زمان پیچیده تر شده اند. حملات سایبری می توانند خدمات حیاتی را مختل کنند، داده های حساس را به سرقت ببرند، و خسارت اقتصادی قابل توجهی را به همراه داشته باشند و آنها را به عنصری کلیدی در استراتژی گسترده تر ایران علیه منافع ایالات متحده تبدیل کنند.

زنجیره های تامین شرکت های تکنالوژیک ایالات متحده که به شدت به مواد خام و اجزای منطقه وابسته هستند نیز می تواند هدف قرار گیرد. اختلالات در خلیج فارس می تواند محموله ها را به تأخیر بیندازد و به شرکت های بزرگی مانند اپل و اینتل که خطوط تولید آنها به طور پیچیده ای با زنجیره های تأمین جهانی مرتبط است، آسیب اقتصادی وارد کند. این به نوبه خود، اثرات موجی در سراسر اقتصاد ایالات متحده خواهد داشت.

به طور فزاینده ای آشکار می شود که منافع واشنگتن در غرب آسیا - چه نظامی، اقتصادی یا سیاسی - در معرض تهدید جدی قرار دارد.

ماهیت در حال تحول این خطرات، همراه با قابلیت های راکتیو سایبری رو به رشد ایران، مستلزم هوشیاری و حفاظت مداوم از دارایی های آمریکا در منطقه است. از این رو، واشنگتن و تل آویو باید هر گونه تهدید یا اقدام علیه ایران را به دقت ارزیابی کنند تا از اشتباهات سیاسی و شکست های استراتژیک جلوگیری کنند.